

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نگاهی به
زکات در اسلام و مسائل کنونی آن

محمداسماعیل توسلی
(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

ام کلثوم فیاضی
(مدرس حوزه علمیه قم)



انشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: نگاهی به زکات در اسلام و مسائل کنونی آن
مؤلف: دکتر محمداسماعیل توسلی و ام کلثوم فتاوی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام
صفحه آراء و ویرایش ادبی و طراح جلد: محمد روشنی
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۳۹۹
قیمت: ۳۸۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۳۹-۱

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲
تلفن: ۶۶۹۷۳۲۱۲

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

سرشناسه: توسلی، محمداسماعیل، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به زکات در اسلام و مسائل کنونی آن / محمداسماعیل توسلی،
ام کلثوم فتاوی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۲۶۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۳۹-۱

موضوع: زکات

موضوع: فقه تطبیقی

شناسه افزوده: فتاوی، ام کلثوم، ۱۳۴۵-

رده بندی کنگره: BP ۱۸۸/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۶

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۳۹۱۴۴

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌یابند.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
فصل اول: زکات در قرآن و گستره آن.....	۲۱
مقدمه.....	۲۱
۱-۱. زکات در نزد واژه‌شناسان.....	۲۲
۲-۱. زکات در نزد فقیهان.....	۲۳
۳-۱. تفاوت خمس با زکات.....	۲۵
۴-۱. تفاوت مالیات با زکات.....	۲۶
۵-۱. زکات در قرآن کریم و اهمیت آن.....	۲۷
۱-۵-۱. طهارت و پاکیزگی از آلودگی‌ها.....	۲۷
۲-۵-۱. پرداخت مقداری از مال به فقراء و نیازمندان.....	۲۸
۶-۱. الفاظ دیگر به کاررفته در معنای اصطلاحی زکات.....	۳۳
۱-۶-۱. صدقه.....	۳۳
۲-۶-۱. انفاق، ماعون، طعام المسکین.....	۳۳
۷-۱. وضعیت فقرا و ضعفا در جوامع پیش از اسلام.....	۳۵
۸-۱. عنایت ادیان آسمانی به مسئله فقر.....	۳۶
۹-۱. اسلام و درمان فقر.....	۴۰
۱۰-۱. وجوب پرداخت زکات در قرآن کریم.....	۴۱
۱۱-۱. لزوم جمع‌آوری زکات از طرف دولت اسلامی.....	۵۰

- ۱۲-۱. گستره اموال مشمول زکات در قرآن ۵۲
- ۱-۱۲-۱. مسکوک طلا و نقره ۵۲
- ۱-۱۲-۱. جمع ثروت تا چه اندازه کنز محسوب می‌شود؟ ۵۵
- ۲-۱۲-۱. زراعت و میوه‌جات ۵۷
- ۳-۱۲-۱. کسب تجاری ۵۹
- ۴-۱۲-۱. آنچه از زمین اخراج می‌شود (مانند زراعت، باغداری و معادن) ۶۰
- ۵-۱۲-۱. مطلق اموال ۶۳
- ۱-۵-۱۲-۱. گستره مفهوم مال در نزد مذاهب مختلف فقهی ۶۵
- ۱۳-۱. مصارف زکات در قرآن ۶۶
- خلاصه و نتیجه فصل اول ۶۷
- فصل دوم: ویژگی‌ها و آثار پرداخت زکات در قرآن.** ۶۹
- ۱-۲. آثار معنوی و مادی پرداخت زکات ۷۰
- ۱-۲-۱. رهایی از حزن و اندوه و ترس ۷۱
- ۲-۱-۲. دستیابی شخص به تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی‌ها ۷۱
- ۳-۱-۲. پاداش نزد خدا ۷۱
- ۴-۱-۲. بخشش گناهان و دخول در بهشت ۷۲
- ۵-۱-۲. بهره‌مندی از ولایت خداوند ۷۳
- ۶-۱-۲. از هدایت‌یافتگان شدن ۷۳
- ۷-۱-۲. دستیابی به رحمت خداوندی ۷۴
- ۸-۱-۲. جلب رضایت خداوندی ۷۴
- ۹-۱-۲. متصف شدن به وصف مؤمن ۷۴
- ۱۰-۱-۲. داخل شدن در جماعت مسلمین ۷۵
- ۱۱-۱-۲. افزایش مال ۷۵
- ۱-۱۱-۱-۲. احادیث دال بر نقش زکات در افزایش اموال ۷۶
- ۲-۲. برخی ویژگی‌های دیگر زکات ۷۶
- ۱-۲-۲. پیشوایان صالح احیاء‌کنندگان زکات ۷۶
- ۲-۲-۲. آبادکننده مساجد ۷۷
- ۳-۲-۲. گیرنده زکات خداوند است ۷۷
- ۴-۲-۲. کیفر استهزاء‌کنندگان ۷۷

فهرست مطالب • ۷

۷۸	۵-۲-۲. پرداخت زکات بدون منت و آزار
۷۸	۶-۲-۲. پرداخت زکات از بهترین قسمت اموال
۷۹	۷-۲-۲. شرط پایداری و استواری دین
۷۹	۳-۲. آثار ترک پرداخت زکات
۸۲	۴-۲. ریشه‌های ترک پرداخت زکات
۸۲	۱-۴-۲. بخل‌ورزی
۸۲	۲-۴-۲. دنیاطلبی و غوطه‌ور شدن در تجارت و دادوستدها و نترسیدن از آخرت
۸۳	خلاصه و نتیجه فصل دوم
۸۵	فصل سوم: زکات در متون حدیثی و فقهی اهل سنت
۸۵	۱-۳. زکات در متون حدیثی اهل سنت
۸۵	۱-۱-۳. وجوب زکات
۸۷	۲-۱-۳. فضیلت صدقه
۸۷	۳-۱-۳. اهمیت زکات و کیفر ترک‌کننده آن
۸۹	۴-۱-۳. اموال مشمول زکات
۸۹	۱-۴-۱-۳. زکات خرما، نقره و شتر
۹۰	۲-۴-۱-۳. زکات زراعت و میوه‌ها (گندم، جو، خرما، کشمش)
۹۰	۳-۴-۱-۳. زکات بقر (گاو و گاومیش)
۹۰	۴-۴-۱-۳. زکات غنم (گوسفند و بز)
۹۱	۵-۴-۱-۳. زکات حبوب و زیتون
۹۱	۶-۴-۱-۳. زکات عسل
۹۱	۷-۴-۱-۳. زکات مال التجاره
۹۱	۸-۴-۱-۳. زکات اموال یتیم و تجارت با اموالشان
۹۲	۹-۴-۱-۳. زکات ورق و ذهب (پول درهم و دینار)
۹۲	۱۰-۴-۱-۳. زکات معادن
۹۲	۱۱-۴-۱-۳. زکات رکاز (گنج)
۹۲	۱۲-۴-۱-۳. در چیزهایی که زکات واجب نیست
۹۳	۲-۳. اموال مشمول زکات در فقه اهل سنت
۹۴	۱-۲-۳. دیدگاه سنتی مذاهب اربعه در مورد اموال مشمول زکات
۹۵	۱-۱-۲-۳. اموال زراعی، شامل: غلات اربعه و سایر محصولات زراعی

- ۹۶ ۲-۱-۲-۳. اموال حیوانی
- ۹۶ ۲-۱-۲-۳-الف. انعام ثلاثه
- ۹۶ ۲-۱-۲-۳-ب. زکات عسل و منتجات حیوانی
- ۹۷ ۳-۱-۲-۳. اموال پولی و مالی
- ۹۷ ۳-۱-۲-۳-الف. طلا و نقره مسکوک، زیورآلات طلا و نقره غیر زینتی
- ۹۷ ۳-۱-۲-۳-ب. پول‌های کاغذی
- ۹۸ ۴-۱-۲-۳. اموال تجاری
- ۹۸ ۵-۱-۲-۳. اموال معدنی و دریایی
- ۹۸ ۵-۱-۲-۳-الف. معادن
- ۹۸ ۵-۱-۲-۳-ب. گنج‌های دفن شده
- ۹۹ ۵-۱-۲-۳-ج. آنچه از دریا استخراج می‌شود
- ۹۹ ۶-۱-۲-۳. اموال جهان معاصر
- ۹۹ ۶-۱-۲-۳-الف. مستغلات، عمارات و کارخانجات و غیره
- ۱۰۰ ۶-۱-۲-۳-ب. منفعت کسب
- ۱۰۰ ۶-۱-۲-۳-ج. سهام، اوراق قرضه
- ۱۰۱ ۷-۱-۲-۳. اموال جنگی (غنائم جنگی)
- ۱۰۱ ۸-۱-۲-۳. اموال حلال مخلوط به حرام
- ۱۰۲ ۲-۲-۳. افراد مشمول زکات در نزد اهل سنت
- ۱۰۳ خلاصه و نتیجه فصل سوم
- ۱۰۵ **فصل چهارم: زکات در متون حدیثی و فقهی امامیه**
- ۱۰۵ ۱-۴. زکات در متون حدیثی امامیه
- ۱۰۶ ۱-۱-۴. اصل وجوب زکات و اهمیت و آثار آن
- ۱۰۶ ۱-۱-۴-۱. وجوب زکات و علت آن
- ۱۰۹ ۲-۱-۴. عدم قبولی نماز مگر به دادن زکات
- ۱۱۰ ۳-۱-۴. کیفیت عذاب اخروی ترک‌کننده زکات
- ۱۱۱ ۴-۱-۴. آثار دنیوی ترک زکات
- ۱۱۲ ۵-۱-۴. آثار دنیوی پرداخت زکات در رشد دارایی‌ها
- ۱۱۳ ۶-۱-۴. ثبوت کفر تارک زکات
- ۱۱۴ ۲-۱-۴. روایات موارد تعلق زکات در متون حدیثی شیعه

۱۱۵	۱-۲-۱-۴. روایات دسته اول و بررسی آن
۱۱۸	۲-۲-۱-۴. روایات دسته دوم و بررسی آن‌ها
۱۲۳	۳-۲-۱-۴. روایات دسته سوم و بررسی آن‌ها
۱۲۷	۱-۴-۲-۳-الف. اما روایاتی که در مورد زکات در سبزیجات آمده
۱۲۹	۱-۴-۲-۳-ب. روایاتی که در مورد زکات در اسب می‌باشد
۱۳۰	۴-۲-۱-۴. روایات دسته چهارم و بررسی آن‌ها
۱۳۲	۳-۱-۴. نتیجه بررسی روایات
۱۳۲	۱-۳-۱-۴. راه‌های جمع بین روایت‌ها و حل تعارض
۱۴۱	۲-۴. اموال مشمول زکات در فقه امامیه
۱۴۲	۱-۲-۴. دیدگاه مشهور: حصر زکات در موارد نه‌گانه
۱۴۵	۱-۱-۲-۴. دلایل ذکرشده فقهاء امامیه در حصر زکات
۱۴۶	۲-۲-۴. دیدگاه غیر مشهور: تسری و جوب زکات به بیشتر از نه مورد
۱۴۶	۱-۲-۲-۴. قول اول: یونس بن عبدالرحمان
۱۴۷	۲-۲-۲-۴. قول دوم: نظر ابن جنید اسکافی
۱۴۸	۳-۲-۲-۴. قول سوم: قائلین به وجوب زکات مال التجاره
۱۴۹	خلاصه و نتیجه فصل چهارم
۱۵۳	فصل پنجم: احیای زکات پول، احشام و اقلیت‌های مذهبی
۱۵۳	مقدمه
۱۵۷	۱-۵. امکان‌سنجی فقهی احیای وجوب زکات پول
۱۵۷	۱-۱-۵. دیدگاه فقهاء اهل سنت درباره زکات پول
۱۵۸	۲-۱-۵. نظر معظم فقهاء شیعه درباره زکات پول
۱۶۳	۳-۱-۵. استفاده از ظهورات برخی روایات
۱۶۶	۴-۱-۵. تحلیل‌های ماهیت پول و زکات پول
۱۶۶	۱-۴-۱-۵. نظریه فلزی
۱۶۶	۲-۴-۱-۵. نظریه چارتالیزم
۱۶۷	۳-۴-۱-۵. نظریه مالیت اعتباری
۱۶۸	۴-۴-۱-۵. نظریه ارزش اسمی
۱۶۸	۵-۴-۱-۵. نظریه مال اعتباری
۱۷۳	۵-۱-۵. اصل استصحاب

۱۷۳ ۱-۵-۱-۵. تعریف استصحاب
۱۷۳ ۲-۵-۱-۵. اتحاد قضیه متیقنه و مشکوکه
۱۷۶ ۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریات ماهیت پول
۱۷۶ ۱-۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریه فلزی
۱۷۶ ۲-۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریه چارتالیزم
۱۷۶ ۳-۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریه مالیت اعتباری
۱۷۶ ۴-۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریه ارزش اسمی
۱۷۷ ۵-۶-۱-۵. استصحاب حکم و جوب زکات نقدین بر اساس نظریه مال اعتباری
۱۷۷ ۲-۵. امکان سنجی فقهی و جوب زکات احشام معلوفه
۱۷۹ ۱-۲-۵. آیا می توان از وصف سائمه بودن دست برداشت یا نه؟
۱۷۹ ۳-۵. امکان سنجی فقهی و جوب اخذ زکات از اقلیت های مذهبی مقیم
۱۸۱ ۱-۳-۵. آیا کافر مکلف به فروع است؟
۱۸۲ ۲-۳-۵. آیا امام یا نائب او می تواند زکات را به اجبار از کافر بگیرد؟
۱۸۳ ۳-۳-۵. آیا از کافر ذمی می توان زکات گرفت؟
۱۸۳ ۴-۳-۵. اگر کافر زکات را تلف کند ضامن می باشد؟
۱۸۳ ۵-۳-۵. اگر کافر مسلمان شود آیا زکات زمان کفرش را باید بپردازد؟
۱۸۴ خلاصه و نتیجه فصل پنجم
۱۸۷ فصل ششم: ارائه روشی برای برآورد ظرفیت زکات بالقوه (مطالعه موردی استان قم) ..
۱۸۷ مقدمه
۱۸۸ ۱-۶. پیشینه تحقیق
۱۹۰ ۲-۶. پیشنهاد روشی جدید برای برآورد ظرفیت زکات بالقوه
۱۹۴ ۱-۲-۶. ارائه برخی مفاهیم، نقد مدل گیلک و ارائه مدل جدید
۱۹۴ ۲-۲-۶. برآورد ظرفیت زکات بالقوه استان قم (مطالعه موردی)
۱۹۴ ۱-۲-۲-۶. برخی ملاحظات برآورد زکات
۱۹۹ ۳-۲-۶. مهم ترین نتایج برآوردها
۱۹۹ خلاصه و نتیجه فصل ششم
۲۰۱ فصل هفتم: تحلیل اقتصادی اثر زکات بر تولید، رشد و توسعه
۲۰۱ مقدمه
۲۰۴ ۱-۷. انواع مالیات ها در ایران

فهرست مطالب • ۱۱

۲۰۴	۱-۱-۷. مالیات‌های مستقیم.....
۲۰۴	۲-۱-۷. مالیات‌های غیرمستقیم.....
۲۰۵	۲-۷. تطبیق عناوین جدید مالیاتی بر موارد تعلق زکات.....
۲۰۶	۳-۷. تحلیل اقتصادی اثر زکات.....
۲۰۷	۱-۳-۷. تحلیل نخست: فقدان اثر منفی زکات بر تولید.....
۲۰۷	۱-۱-۳-۷. مالیات بر درآمد در برابر مالیات بر فروش: بار اضافی مالیات.....
۲۱۲	۲-۱-۳-۷. اثر زکات بر جانشینی کار و استراحت.....
۲۱۵	۲-۳-۷. تحلیل دوم: اثر مثبت زکات بر رشد و توسعه اقتصادی.....
۲۱۶	۱-۲-۳-۷. عوامل مؤثر بر رشد.....
۲۲۱	۲-۲-۳-۷. عامل اصلی توسعه در اقتصاد صدر اسلام.....
۲۲۲	۳-۲-۳-۷. چگونگی اثر زکات بر رشد و توسعه اقتصادی.....
۲۲۳	۴-۲-۳-۷. اثر زکات بر عرضه نیروی کار.....
۲۲۴	۵-۲-۳-۷. اثر زکات بر عرضه سرمایه.....
۲۲۵	خلاصه و نتیجه فصل هفتم.....
۲۲۷	فصل هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۳۹	منابع.....
۲۴۹	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی، و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آن هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع

پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (ع) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (ع)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاء‌الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

نظام هستی بر وجه احسن بنا شده است. خداوند سبحان برای گردش احسن این نظام، در کنار نظام تکوین هستی، نظام تشریح، قانون‌گذاری و حقوق را قرار داده است. از آنجا که نظام تکوین هستی بر اساس علت و معلول بنا نهاده شده است، به خاطر اثرگذاری علل طبیعی عموماً و بحران‌ها و رکودهای اقتصادی به طور خاص، عده‌ای از افراد جامعه توانایی کسب درآمد جهت گذران زندگی مادی را پیدا نمی‌کنند. از این رو، نیاز به حمایت دارند. خداوند عادل حکیم به وسیله نظام تشریح و قانون‌گذاری با وضع زکات به عنوان حق فقراء در اموال اغنیاء، بر این اساس که همه اموال، مال خداوند است به یاری فقرا شتافت. اسلام با طرح زکات به عنوان یک واجب مالی به این نیاز پاسخ صریح و قاطع داده است، به گونه‌ای که وجوب آن را از ضروریات دین شمرده و تارک آن را از زمره مسلمانان خارج می‌داند. زکات یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین مالیات‌های اسلامی است.

افزون بر اینکه شکاف طبقاتی که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات جامعه انسانی است و موجب برهم‌زدن عدالت اجتماعی می‌شود؛ از نظر اسلام مردود است. زیرا بروز و تشدید این پدیده، شرایط نابرابری را در جامعه حاکم می‌سازد که به خصومت‌ها و رقابت‌های ناسالم منتهی می‌گردد و طبقه ضعیف، ضعیف‌تر و ثروتمندان، ثروتمندتر می‌گردند. یکی از سیاست‌های اصولی در مکتب اقتصادی اسلام ایجاد توازن

اقتصادی و تعدیل ثروت‌هاست. در پرتو این سیاست زمینه‌های لازم برای کسب درآمد برای همگان فراهم می‌شود و از سوی دیگر برای جلوگیری از تمرکز ثروت و شکاف طبقاتی با ابزارهایی که در اختیار حاکم اسلامی است در ثروت‌ها تعدیل صورت می‌گیرد. بنابراین هر چند در این جامعه همه افراد از نظر دارایی و سطح زندگی برابر نیستند، ولی همگان از سطح قابل قبول زندگی و رفاه نسبی برخوردارند و بدین ترتیب با تحقق توازن اقتصادی، فقر از جامعه ریشه‌کن می‌گردد. انفاق‌های واجب مانند زکات و خمس که تحت شرایط خاصی از افراد برخوردار دریافت می‌شوند نقش مؤثری در تعدیل ثروت‌ها و توازن اقتصادی دارند. مواردی که این مالیات‌ها در آن‌ها مصرف می‌شوند گواه این نکته است که این مالیات‌ها به عنوان ابزاری برای توازن اقتصادی و تحقق سطح قابل قبولی از زندگی، برای همگان وضع شده‌اند.

در اهمیت زکات در اسلام همین بس که در قرآن کریم از ۵۹ مورد کاربرد ماده «زکو» لفظ زکات ۳۱ بار به صورت اسم مصدر تکرار شده است و در این ۳۱ بار ۲۷ بار آن در کنار نماز که ستون دین است در آیه واحده آمده است. خداوند متعال زکات را مقداری قرار داد که برای فقرا کافی است. امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند عز و جل در اموال اغنیا آن مقدار واجب کرده است که برای فقرا کافی است، پس اگر گرسنه یا عریان یا در شدت فقر مانندند به دلیل منع اغنیا است و برخداوند است که آن‌ها را محاکمه و عذاب کند» (ابو عبید، ۱۴۰۸: ق: ۷۰۹).

پژوهش‌ها (توسلی، ۱۳۸۴: ۹ و ۱۰) نشان می‌دهد با اینکه همه مذاهب پنج‌گانه در اصل وجوب زکات متفق‌القولند اما نظرات و دیدگاه‌های فقهی آن‌ها درباره حصر موارد زکات یا عدم حصر آن مختلف است، در مورد فقه شیعه باید گفت، تنها از چهار مورد گندم، جو، خرما و کشمش می‌توان زکات دریافت کرد. زیرا دام‌هایی که بیابان‌چر باشد، یافت نمی‌شود یا حداقل کم است و پول‌ها هم دیگر از جنس طلا و نقره نیست. در این پژوهش (توسلی، ۱۳۸۴: ۹ و ۱۰) آمده، زکات بالقوه ایران برای این چهار مورد حدود ۰/۲ درصد تولید ناخالص داخلی است در حالی که برای پوشش فقر حداقل مقدار عایدات زکات باید چیزی حدود ۳ تا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی باشد. بررسی‌های آماری در مورد دیدگاه‌های مختلف فقهی اهل سنت نشان می‌دهد که بر اساس دیدگاه سنتی اهل سنت عایدات بالقوه زکات حدود ۱ درصد تا ۱/۵ درصد تولید

ناخالص ملی می‌شود و بر اساس نظریه قرض‌آوی که چند مورد دیگر را به آن اضافه کرده است چیزی حدود ۴/۵ درصد تا ۷ درصد تولید ناخالص می‌شود و بر اساس دیدگاه جدید اهل سنت که بنا بر عموم قرآن زکات را در هر مالی واجب می‌دانند، حدود ۵/۵ درصد تا ۸ درصد تولید ناخالص ملی می‌گردد. از این رو انتخاب رأی فقهی می‌تواند اثر مهمی روی افزایش یا کاهش عایدات زکات و در نتیجه زدودن فقر از چهره جامعه اسلامی داشته باشد. آنچه که در عصر حاضر در کارایی و بهره‌وری زکات از حیث فقهی در رفع فقر مؤثر است، گسترش وجوبی پایه مالیاتی زکات در دو جهت اشخاص مشمول زکات و اموال مشمول زکات است.

پژوهش حاضر با یک مطالعه تطبیقی به بررسی ابعاد معنوی، فقهی و اقتصادی زکات در اسلام و بیان چالش‌های فقهی به عنوان مشکل اجرای کامل آن در ایران به امکان‌سنجی فقهی توسعه موارد وجوب و احیای موارد خارج شده از آن می‌پردازد. با نگاهی به متون فقهی می‌بینیم فتوای بیشتر فقهاء شیعه بر انحصار وجوب زکات در نه مورد قرار گرفته است. اما هنگامی که به روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم تعداد روایاتی که توسعه در موارد وجوب زکات می‌دهند بیشتر از روایاتی است که زکات واجب را در نه مورد منحصر دانسته‌اند. سپس با نگاه به قرآن در می‌یابیم که آیات هیچ دلالتی بر چنین انحصاری ندارد. اکنون سؤال این است که این انحصار در موارد نه‌گانه از کجا آمده است؟ آیا از لحاظ فقهی امکان توسعه موارد وجوب زکات به بیش از نه مورد وجود دارد؟ بحث گسترش پایه مالیاتی و توسعه موارد وجوب زکات از همان صدر اول اسلام مطرح بوده و از ائمه (علیهم‌السلام) به طور پراکنده سؤالاتی در این زمینه می‌پرسیدند. اگرچه پژوهشگرانی در حد کتاب یا رساله یا مقاله به بحث در تشریح موارد وجوب زکات پرداخته‌اند. اما این موضوع با همه اهمیتش، جا دارد مباحث گسترده‌تری در حد چندین طرح پژوهشی تحقیق شود تا به ادبیات موضوع، اهمیت و ضرورت آن، طرح چالش‌های فقهی، اجرایی و اقتصادی‌اش در عصر حاضر و پاسخ به آن‌ها پرداخته شود. در این راستا پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی گستره زکات در قرآن، سنت و فقه ضمن بیان گستره زکات در قرآن و آثار مادی و معنوی آن و طرح برخی مسائل کنونی زکات، به روش اجتهادی، توصیفی و تحلیلی اهداف و جنبه‌های ذیل را نیز دنبال می‌کند.

الف) امکان‌سنجی فقهی گسترش وجوبی پایه مالیاتی زکات به بیش از نه مورد سنتی.
ب) امکان‌سنجی فقهی وجوب زکات پول‌های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی کنونی.
ج) امکان‌سنجی فقهی وجوب اخذ زکات از دامپروری صنعتی.
د) احیای مبحث وجوب اخذ زکات از اقلیت‌های دینی مقیم و تاکید معنادار بر آن.
پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از مطالعه‌های پیشین در جهت گسترش پایه مالیاتی زکات و توسعه موارد وجوب آن، با اهتمام به امکان‌سنجی فقهی وجوب زکات پول‌های کاغذی، الکترونیکی و دیجیتالی کنونی با نوآوری رویکرد مبنایی تحلیل ماهیت پول و جریان استصحاب و تلاش در جهت تسری حکم وجوب زکات به دامپروری صنعتی که بخش مهمی از ثروت ملی را در حال حاضر تشکیل می‌دهد و همچنین با تحقیق در مسئله وجوب اخذ زکات از اقلیت‌های دینی مقیم که تاکنون تأکید معنادار بر آن نشده بود درصدد است تا به امکان‌سنجی فقهی هر آنچه که موجب افزایش عایدات زکات می‌شود، بپردازد.

از طرف دیگر مشکل و چالش قابل‌اعتنایی را در مدل‌های برآورد ظرفیت زکات بالقوه می‌بینیم. برخی پژوهشگران (کیاء‌الحسینی، ۱۳۸۲: ۸۴) با برآورد ظرفیت زکات بالقوه نشان دادند که فقر غذایی فقرا را نیز نمی‌توان با این زکات تأمین کرد. اما گیلک (گیلک، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۲۲) با بررسی روش‌ها و مدل‌های گوناگون تخمین زکات بالقوه مدل جدیدی را با پیشنهاد دو تعدیل و سپس با استفاده از آن در برآورد زکات استان گلستان، نشان داد که مقدار زکات افزون بر رفع فقر می‌تواند هزینه‌های کمیته امداد امام خمینی (عج) استان را که در راستای مصارف زکات است، بپوشاند. خاستگاه این تفاوت و اختلاف برآوردی را می‌توان در کاستی روش‌ها و مدل‌های برآورد زکات بالقوه جستجو کرد. نوآوری دیگر پژوهش، نقد مدل‌های برآوردی موجود و ارائه روشی جدید برای برآورد ظرفیت زکات است. این تحقیق به تصحیح مدل‌های برآوردی پرداخته و مدل تکاملی جدیدی را برای واقعی‌تر کردن برآورد ظرفیت زکات پیشنهاد داده است.

یکی دیگر از مسائلی که در عصر حاضر مطرح است، تحلیل اقتصادی اثر زکات بر تولید، رشد و توسعه اقتصادی و تغییر رفتار اقتصادی مؤدیان زکات از جنبه مالیات بودن آن است. نوآوری این بخش از پژوهش آن است که با تحلیل اقتصادی نشان

خواهد داد مالیات اسلامی زکات اثر منفی بر تولید و رشد ندارد بلکه بر اساس پژوهش‌های انجام شده می‌توان نشان داد اثر مثبت بر آن دارد. افزون بر اینکه در طول کتاب به طور ضمنی نشان داده شده است که زکات به عنوان مالیات اسلامی ویژگی منحصر به فردی نسبت به مالیات‌های متعارف دارد و آن اینکه ضمن تأمین عدالت و کمک به رشد اقتصادی، تعالی معنوی را که مفقود هر دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی است در خودش دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های پژوهش حاضر این می‌تواند باشد که مباحث فقهی، تفسیری و اقتصادی در آن بدون اختلاط وظایف برای حل یک مشکل خاص و مبتلابه روز، به طور سازگار و برهم‌افزا در کنار هم قرار داده شدند.

گفتاری از نویسنده مسئول:

به خاطر اهمیت زکات در فرهنگ اسلامی یکی از دغدغه‌های نظام اسلامی و خواست به حق مؤمنین فراهم‌آوری زمینه‌های لازم نظری و عملی برای اجرای کامل زکات در ایران اسلامی است. لذا از سال ۱۳۸۰ پژوهش‌هایی را در این رابطه آغاز کردیم تا ببینیم مشکل چیست. آیا مشکل فقهی است؟ یا مشکل به خاطر خلأ قانونی و یا مدیریتی و اجرایی است؟ و یا مشکل ضعف پایبندی اغنیاء به پرداخت زکات است؟ یا اینکه در همه این موارد مشکل داریم. نتیجه آن پژوهش به انتشار کتابی با عنوان «امکان‌سنجی اجرای زکات در ایران» در سال ۱۳۸۴ انجامید. در آن پژوهش چالش‌های متعددی که اجرای زکات در ایران با آن مواجه است با استفاده از تجربیات بیش از ۸ کشور اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت و به این نتیجه منتج شد که مهم‌ترین چالش در ایران اسلامی، فقهی است. زیرا بر اساس نظرات فقهاء امامیه تنها از یک قلم یعنی غلات اربعه که شامل گندم، جو، خرما و کشمش است می‌توان زکات دریافت کرد. از این رو مسلم است که دریافت این مقدار زکات نمی‌تواند کمک مؤثری به رفع فقر کند. پس از آن، به دنبال موقعیت‌هایی بودیم که پژوهش در مورد این مشکل و راهکارهای غلبه بر آن را پیگیری کنیم. یکی از این موقعیت‌ها راهنمایی پایان‌نامه سرکار خانم فیاضی بود که ایشان را به سمت انجام این پژوهش هدایت کردیم و نتیجه‌اش دفاع از پایان‌نامه‌ای در سال ۱۳۸۸ شد با عنوان «بررسی گستره زکات در قرآن، سنت و فقه». در آن پایان‌نامه تعمیم موارد وجوب زکات چه از جهت اموال

مشمول و چه از جهت افراد مشمول مد نظر بود. لذا از ۸ فصل کتاب حاضر ۴ فصل بر آن پایان‌نامه بنا شده اما این بار با پژوهش مجدد و گسترده‌تر با مراجعه به منابع بسیار بیشتر، متقن‌تر و اصیل‌تر. فصول بعدی کتاب پژوهش‌های مستقلی است که لازم دیدیم در راستای حل دیگر چالش‌های کنونی زکات بدان پردازیم. در فرآیند مرحله‌بندی شده پژوهش برخی از این‌ها به صورت مقاله منتشر شد تا در معرض ارزیابان قرار گیرد و استحکام بیشتری یابد. فصل مربوط به تحلیل اقتصادی زکات را هم از باب اینکه جزء مسائل و ادبیات روز است و جایگاه ویژه زکات را در بین مالیات‌های متعارف به خوبی برای دانشگاهیان تبیین می‌کند، به کتاب اضافه کردیم. امید است در مجموع کتاب حاضر به لطف الهی با عنایت ویژه‌ای که حق سبحانه و تعالی به زکات دارد و به مدد ولی عصر (عج) مفید فایده همه اقشار به خصوص جامعه دانشگاهی و حوزوی قرار گیرد.

محمد اسماعیل توسلی
(نویسنده مسئول)

فصل اول: زکات در قرآن و گستره آن

مقدمه

زکات از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی اسلام است. ریشه لغوی آن ماده «زکو» است. این ماده به همراه مشتقاتش در قرآن ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه به کار رفته است. ماده «زکو» ۳۱ بار در قرآن به صورت اسم مصدر «زکات» آمده است. در این ۳۱ بار ۲۷ بار آن قرین با نمازی است که عمود دین می‌باشد. این همنشینی نشان از آن دارد که رابطه وثیق و تنگاتنگی بین آن‌ها در نظرگاه اسلام وجود دارد (ترکمانی و بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۱۳). با توجه به معنای زکات که در پی می‌آید می‌توان گفت نماز تطهیر و رشد و نمو جان را به همراه دارد و زکات تطهیر مال و رشد و نمو آن را. همراهی این دو به جهت اهمیت ویژه آن‌ها است؛ زیرا نماز در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است و زکات نیز در دین اسلام از بُعد عدالت اجتماعی و اقتصادی، بسیار با اهمیت است. ذکر زکات در کنار نماز نشانه جامعیت اسلام و همه‌جانبه‌نگری دین مقدس اسلام است. این فصل در صدد است ابعاد مختلف زکات در قرآن را بنمایاند و گستره مفهومی، مصداقی، تاریخی و قرآنی آن را طی عناوینی که در پی می‌آید نشان بدهد.

۱-۱. زکات در نزد واژه‌شناسان

لغت‌شناسان در رابطه با ریشه «زکو» که از آن مشتق شده است، دیدگاه‌های متفاوت دارند؛ برخی آن را دارای دو معنای رشد و نمو و طهارت و پاکی دانسته‌اند. ابن فارس در معجم مقاییس اللغة در این باره می‌گوید: «أصل يدل على نماء و زيادة. و يقال الطهارة زكاة المال. قال بعضهم: سميت بذلك لأنها مما يرجى به زكاء المال، و هو زيادته و نماؤه. و قال بعضهم: سميت زكاة لأنها طهارة، قالوا و حجة ذلك قوله تعالى «خَذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» و الأصل في ذلك كله راجع الى هذين المعنيين، و هما النماء و الطهارة. و من النماء زرع زاك: بين الزكاء. و يقال هو أمر لا يزكو بفلان، أى لا يليق به» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق). لسان العرب می‌گوید: «اصل زکات در لغت طهارت، رشد، برکت و مدح است» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۳۵۸).

برخی دیگر از لغت‌شناسان آن را به معنای نخست، یعنی رشد و نمو گرفته‌اند. شرباصی می‌گوید: معنای آن در لغت زیاده و رشد یافتن است (الشرباصی، ۱۴۰۱ق: ماده زکو). فیومی هم همین معنا آورده است: «و الزكاء: النماء و الزيادة، يقال زكا الزرع، و الأرض تزكو زكوا من باب قعد. و أزكى: مثله. و سَمِيَ القدر المخرج من المال زكاة، لأنه سبب يرجى به الزكاء» (فیومی، ۱۴۱۴ق: ماده زکو).

راغب اصفهانی می‌گوید: «زكا: أصل الزكاة النمو الحاصل عن بركة الله تعالى، و يعتبر ذلك بالأموال الدنيوية و الاخروية. يقال زكا الزرع يزكو إذا حصل منه نمو و بركة و منه الزكاة لما يخرج الإنسان من حق الله تعالى الى الفقراء، لما يكون فيها من رجاء البركة أو لتزكية النفس أى تنميتها بالخيرات و البركات أولهما جميعاً. و أقيموا الصلاة و أتوا الزكاة: و بزكاء النفس و طهارتها يصير الإنسان بحيث يستحق في الدنيا الأوصاف المحمودة و في الآخرة الأجر و المثوية». در مفردات راغب آمده «اصل زکات نمو و حاصل از برکات خداوندی است، این معنا هم در امور دنیوی معتبر است هم در امور اخروی. گفته می‌شود «زکا الزرع يزكو» در هنگامی که زرع رشد نموده و برکت پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳ق: ماده زکو). در مقاییس اللغة آمده که «زاء و كاف و حرف معتل اصل است و دلالت بر نماء و زیاده می‌کند» (ابن زکریا، ۱۴۰۴ق: ماده زکو). شوکانی در نیل الاوطار می‌گوید: «هنگامی که چیزی رشد کند و زیاد شود

می‌گوییم «زکا الشینی» و هنگامی که شخصی نیکو و لایق می‌شود می‌گوییم «زکا فلان» و به معنای تطهیر هم وارد شده است» (شوکانی، ۱۳۴۷ق: ۹۷) و همه این معانی در قرآن و حدیث به کار رفته است.

بر اساس معنای لغوی و عام، هر چیزی زکاتی دارد. امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید: «زکات بدن؛ جهاد و روزه گرفتن است. زکات جاه و مقام؛ بذل و بخشش، زکات جمال و زیبایی؛ عفت و عصمت خواهد بود. زکات سلطه و قدرت؛ نجات افراد اندوهگین، زکات شجاعت؛ جهاد فی سبیل الله است. زکات صحت و سلامتی؛ کوشش در اطاعت پروردگار و زکات پیروزی؛ احسان خواهد بود. زکات علم آن است که آن را نشر دهی و خود را به انجام آن وادار کنی ... زکات قدرت؛ انصاف است...» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش: ۲۷۵).

۱-۲. زکات در نزد فقیهان

زکات از واجبات مالی در دین اسلام است و دو نوع دارد، زکات مال که به غلات چهارگانه، دام‌ها و سکه‌ها با شرایط خاصی تعلق می‌گیرد و زکات بدن که همان زکات فطره است و در عید فطر پرداخت می‌شود. کاربرد زکات بدون قید نوع نخست آن یعنی زکات مال می‌باشد که موضوع این پژوهش است. در اصطلاح فقه زکات عبارت است از صدقه‌ای که به اصل شرع - و نه با نذر و قسم - واجب شده است. زکات به حقی واجب در مال که رسیدن آن به حد نصاب شرط و جوب آن است؛ صدقه‌ای که در اصل به نصاب تعلق گرفته؛ قدر معین ثابت در مال یا در ذمه برای حصول پاکی و رشد آن و اخراج بعض مال برای زیادت و نمو باقی مانده آن نیز تعریف شده است. البته اختلاف در تعبیر ناشی از اختلاف در معنای شرعی زکات نیست؛ بلکه رویکرد همه تعریف‌های یاد شده کشف اجمالی معنای شرعی آن است (نجفی، بی تا، ج ۱۵: ۲ و ۳).

در مجمع البحرین آمده: «در اصطلاح شرع زکات صدقه خاصی است که به اصل شرع اندازه‌اش مشخص شده است هم در مال است و هم در ذمه، برای اینکه آن دورا پاک کند. زکات مال پاک‌کننده مال است و زکات فطره پاک‌کننده بدن است» (الطریحی، ۱۴۰۸ق: ۲۸۳).

محقق حلی می‌گوید: «زکات در لغت به معنای زیاد، نمو و تطهیر است و در

شرع اسم حقی است که در مال واجب است. در وجوب آن نصاب معتبر است و زکات نامیده شده است، زیرا به سبب آن ثواب زیاد می‌شود و مال از حق مساکین و پرداخت‌کننده آن از گناه پاک می‌شود (محقق حلی، بی‌تا، ج ۱: ۳).

حاج آقا رضا همدانی در مصباح الفقیه می‌نویسد: «زکات در لغت به معنای طهارت و نمو است و در عرف اهل شرع اسم حقی است که در نزد اهل شرع شناخته شده است و به نص کتاب و سنت متواتر در نزد آن‌ها ثابت شده است و همانند نماز و روزه از ضروریاتی است که منکر آن از جماعت مسلمین خارج می‌شود» (الهمدانی، بی‌تا، ج ۳: ۱).

منتظری در کتاب الزکاة می‌نویسد: «زکات، یک واجب دینی الزام‌آور و «حق الله المعلوم»^۱ در مال مسلمانان است، به شرط اینکه سال قمری بر آن گذشته و داخل نصاب تعریف شده گردیده باشد» (منتظری، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۹). در اسلام، از آن نظر به این پرداخت «زکات» می‌گویند که وسیله پاک کردن اموال افراد از حقوق نیازمندان و نیز وسیله افزون شدن و رشد یافتن اموال آنان است. قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ۳۴۳) در این باره می‌نویسد: «زکات از تزکیه اخذ شده و معنایش تطهیر است. مثل این است که خارج‌کننده زکات از مال، آن مال را از تبعات حقی که خداوند در آن برای مساکین و دیگران قرار داده است، پاک می‌کند». قرضای (قرضای، ۱۴۲۰ق، الجزء الاول: ۳۸) می‌گوید زکات در شرع بر حصه معین از مال که خداوند آن را برای مستحقین واجب کرده است و نیز بر نفس اخراج این حصه اطلاق می‌شود.

فقهاء اهل سنت می‌گویند: «کسی که با اعتقاد به وجوب زکات از ادای آن سرباز زند، به قهر و اجبار از او گرفته می‌شود. و کسی که وجوب آن را انکار کند و در سرزمین اسلام و در میان اهل علم باشد، پس او مرتد است و بر او احکام مرتدین جاری می‌شود. از او سه بار طلب توبه می‌شود پس اگر توبه نکند که هیچ‌ا و الا کشته می‌شود و بر والی واجب است که با مانعین زکات بچنگد تا زمانی که این حق را ادا کنند» (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۲: ۴۳۵ و الخطیب، ۱۳۷۷ق، ج ۱: ۳۶۸ و الشیخ سید سابق، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۸).

۱. به عقیده برخی از مفسرین حق الله المعلوم غیر از زکات است.

فقهاء امامیه به اتفاق و جوب زکات را از ضروریات دین شمرده و منکر آن را با علم به آن کافر می‌دانند (محقق حلی، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۵؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۳۲؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۶؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱؛ خوبی، ۱۴۱۳ق: ۹؛ موسوی گلپایگانی، بی‌تا: ۹۴). امام خمینی (رضی الله عنه) در تحریر الوسیله می‌نویسد: «اصل و جوب زکات فی الجملة از ضروریات دین است و همانا منکر آن به تفصیلی که در کتاب طهارت گذشته در زمره کفار است و از اهل بیت طهارت روایت شده که همانا منع‌کننده یک قیراط زکات نه از مؤمنین است و نه از مسلمین» و «باید اگر خواست یهودی بمیرد و اگر خواست نصرانی بمیرد» و «هیچ صاحب و یا درخت خرما و یا زراعت و یا درخت انگوری نیست که از پرداختن زکات مالش جلوگیری کند مگر آنکه خداوند آن را روز قیامت به صورت افعی از آتش، طوق بر گردن او قرار می‌دهد تا وقتی که از حساب فارغ شود از گوشت او بکنند» و روایات دیگر که عقل‌ها را مبهوت می‌کند. و اما فضیلت زکات با عظمت و ثواب آن بزرگ است. درباره صدقه دادن که شامل زکات هم می‌شود، روایت رسیده است که «همانا خداوند صدقه را پرورش می‌دهد، همان‌گونه که یکی از شما فرزند خود را پرورش می‌دهد تا اینکه در روز قیامت با آن برخورد کند درحالی‌که مانند کوه احد باشد» و نیز روایت شده که «صدقه جلوگیری از مردن بد می‌کند» و «صدقه پنهانی غضب پروردگار را خاموش می‌کند و روایات دیگری که وارد شده است» (خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱).

۱-۳. تفاوت خمس با زکات

واجب مالی دیگری که در شریعت وارد شده است، خمس است. در فقه اسلامی؛ «خمس» عبارت است از یک پنجم اموال انسان که باید از منافی که به دست می‌آورد از جمله منافع کسب مازاد بر مخارج خود با شروط خاصی که در فقه بیان شده، پرداخت شود و آن حقی است که خداوند برای پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) و مستمندان از خاندان آن بزرگواران قرار داده تا به جای زکات مصرف و نیازمندی‌های خود را با آن تأمین کنند. خمس به دو قسم تقسیم می‌شود. نیمی از آن، سهم امام (ع) است که باید توسط حاکم اسلامی در شئون ولایت و حاکمیت اسلامی و مصالح اسلام و مسلمانان هزینه گردد و نیم دیگر آن، سهم سادات نیازمند است. پرداخت

زکات و خمس و دیگر انفاق‌های واجب و مستحب، از تکالیف اقتصادی مسلمانان است. ادای این وظایف مالی، افزون بر آثار سازنده اخلاقی، نقش مهمی در توزیع و تعدیل ثروت میان افراد جامعه و برقراری عدالت اجتماعی دارند. اما هر کدام از خمس و زکات از جهت موارد تعلق، شرایط وجوب و مصرف با هم تفاوت دارند. اولاً، زکات از اصل مال اخذ می‌شود^۱ و خمس از مالی که غنیمت است. غنیمت در اصل فائده‌ای است که کسب می‌شود و در آیات دیگر قرآن نیز معنای عموم برای غنایم به کار رفته است: «إِذَا أَنْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا (فتح/ ۱۵)» «و مَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا (فتح/ ۱۹)». قرآن تنها یک‌بار و در آیه ۴۱ سوره انفال نام خمس را ذکر می‌کند^۲. و ثانیاً موارد مصرف زکات فقرای غیر سادات و بقیه مصارف هشت‌گانه هستند که در قرآن آمده است و موارد مصرف خمس به دو قسم سهم امام و سهم سادات فقیر تعلق می‌گیرد. محروم بودن سادات از دستیابی به زکات در حقیقت برای دور نگه داشتن خویشاوندان پیامبر از این قسمت است تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد که پیامبر خویشان خود را بر اموال عمومی مسلط ساخته است، ولی از سوی دیگر نیازمندان سادات نیز باید از طریقی تأمین شوند. در حقیقت خمس نه تنها یک امتیاز برای سادات نیست، بلکه یک نوع کنار زدن آن‌ها، به خاطر مصلحت عموم و به خاطر اینکه هیچ‌گونه سوءظنی تولید نشود، می‌باشد. میان خمس و زکات این تفاوت وجود دارد که زکات جزء اموال فقراء جامعه اسلامی محسوب می‌شود، لذا مصارف آن عموماً در همین قسمت می‌باشد، ولی خمس از مالیات‌هایی است که سهم اعظم آن مربوط به هزینه‌های شئون ولایت و حاکمیت اسلامی است.

۱-۴. تفاوت مالیات با زکات

مالیات‌های اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلی به مالیات‌های ثابت و مالیات‌های متغیر یا حکومتی تقسیم می‌گردد. مالیات ثابت، مالیاتی است که مقدار یا نرخ یا مورد وضع آن و یا مجموع آن‌ها مستقیماً از طرف شارع، مشخص و معین گردیده است؛ مانند

۱. خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكهم بها وصل عليهم إن صلاتك سكن لهم^۳ والله سميع (التوبة/ ۱۰۳).
 ۲. وأعلموا أننا عنتم من شيء فإن لله خمسة وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل إن... (انفال ۴۱).

خمس و زکات که مقدار، نرخ و موارد آن مشخص شده و خراج و جزیه که تنها موارد آن‌ها از طرف شارع تعیین گردیده است.

اما مالیات‌های متغیر یا حکومتی، آن سلسله از مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی می‌تواند در شرایط خاص وضع کند و مقدار و نسبت خاصی برای آن‌ها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه‌های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلام در نظر دارد. بنابراین مالیات حکومتی موضوع دیگری غیر از زکات است. این مالیات امری متغیر و از اختیارات حکومتی است. حکومت در هر زمانی می‌تواند برای هر چیزی بر طبق مصلحتی که ایجاب می‌کند مالیات وضع کند. این ربطی به زکات ندارد؛ بنابراین نباید زکات و مالیات را با هم مقایسه کرد.

۱-۵. زکات در قرآن کریم و اهمیت آن

بررسی موارد مختلف کاربرد ماده «زکو» و مشتقات آن در قرآن نشان می‌دهد که این ماده در آیه‌های مختلف به دو معنای طهارت و پاکیزگی از آلودگی‌ها و به معنای پرداخت مقداری از مال به فقراء و نیازمندان به کار رفته است.

۱-۵-۱. طهارت و پاکیزگی از آلودگی‌ها

به عنوان نمونه، در مثل آیه ۹ سوره شمس «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» از مصدر تزکیه و به معنای طهارت و پاکیزگی از آلودگی‌های شرک و هواهای نفسانی و هرگونه پلیدی است. در آیه ۱۹ سوره مریم «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًا» به صورت صفت مشببه و به معنای پاکیزه از هرگونه آلودگی و گناه است. در قرآن لفظ «زکاة» در دو باری که به صورت نکره به کار رفته در معنای طهارت و پاکی است. یکی در آیه ۸۱ سوره کهف است «فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا» ترجمه: از این‌رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاک‌تر و بامحبت‌تر به آن دو بدهد! و دومی در آیه ۱۳ سوره مریم است. «وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» ترجمه: و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان!) و او پرهیزگار بود.

۱-۵-۲. پرداخت مقداری از مال به فقرا و نیازمندان

از ۵۹ مورد کاربرد ماده «زکو» در قرآن ۳۱ مرتبه به صورت اسم مصدر و معرفه با الف و لام به کار رفته است و مراد از آن پرداخت مقداری از مال در راه خداست. از این ۳۱ مورد در ۲۷ مورد «ایات الزکاة» پس از لفظ «اقامة الصلاة» آمده است. مثل آیه ۷۸ سوره حج «فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ». این قرین بودن نشان از ارتباط وثیق و تگاتنگ بین آن‌ها است. ترکمانی و بیگدلی در پژوهشی (ترکمانی و بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۱۵-۱۱۱) با توجه به شبکه ارتباطی واژگان قرآنی و با بررسی این کاربردها نشان دادند هرگاه در قرآن کریم واژه ایات زکات در شبکه معنایی قرار می‌گیرد که در آن سخن از اقامه صلاة به عنوان یک فریضه دینی است، معنای آن پرداخت مقداری از اموال به فقراء و نیازمندان است. به عبارت دیگر نام بردن از زکات با نماز قرینه است بر اینکه مقصود از زکات همان معنای معروف انفاق مال است نه معنای لغوی تطهیر نفس از رذیلت‌های اخلاقی. علامه طباطبایی (رضی الله عنه) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۴۷) با اشاره به همراهی این دو واژه در موارد مذکور اطلاق زکات بر تزکیه نفس و تطهیر آن را نمی‌پذیرد. وی در تفسیر «جمله» «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ...» می‌گوید: [این جمله] اشاره به این است که در شریعت او [حضرت عیسی (علیه السلام)] نماز و زکات تشریح شده، و نماز عبارت است از توجه بندگی مخصوص به سوی خدای سبحان و زکات عبارت است از انفاق مالی، و این دو حکم در بیش از بیست جای قرآن قرین هم ذکر شده، بنابراین دیگر به گفته آن کسی که گفته مراد از زکات تزکیه نفس و تطهیر آن است، نه واجب مالی، اعتناء نمی‌شود^۱. به نظر می‌رسد با توجه به همنشینی استواری که خداوند بین آن دو برقرار کرده اگر اراده‌ای غیر از وجوب داشت ذکر می‌کرد. از این رو، به عقیده مکارم شیرازی و قرضاوی در این آیات لفظ «زکات» در همان معنای معروف بین مسلمین یعنی واجب مالی به کار رفته است

۱. با توجه به اینکه علامه طباطبایی و برخی دیگر از اعظام مفسران در ۲۷ آیه مذکور حمل این واژه‌ها را بر معنای لغوی نپذیرفتند، و بر معنای مورد نظر شارع حمل کردند، به حقیقت شرعیه قائل شده‌اند. پذیرش حقیقت شرعیه بدین معناست که واژه «الزکاة» مانند واژه «الصلاة» در زمان خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به گونه‌ای نقل معنا شده است که دیگر، بدون قرینه بر معنای جدید شرعی خود یعنی «پرداخت مقداری از مال به وجه مخصوص» حمل می‌شد. یعنی، ناقل لفظ از معنای طهارت و نمو به معنای مذکور، شارع است و این منقول شرعی است.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۹؛ قرضاوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۶۰ و ۶۱).

اقتران زکات که یک عبارت مالی است با نماز که یک عبادت بدنی است در ۲۷ آیه قرآن، دلیل بر کمال اتصال بین این دو تا است. زکات به همراه نماز که عمود دین است، اساس و بنیان نظمی است که جوامع بشری بر آن بنا نهاده شده‌اند. به طوری که قرآن آن را جوهره دستورات انبیاء و رسولان گذشته قرار داده است. همان‌گونه که در قرآن کریم این امر از زبان ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، موسی و عیسی (علیهم‌السلام) چنین بیان شده است:

۱. وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ آتَيْنَاهُمُ الرِّزْقَ وَ كَانُوا لَنَا عِبِيدِينَ (انبیاء/ ۷۳).

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می‌کردند».

علامه طباطبایی (رحمه‌الله) زکات در این آیه شریفه را به معنای «انفاق مال» البته مخصوص به هر شریعت گرفته است. وی در تفسیر این آیه می‌گوید: «پس حاصل کلام این شد که انمه مؤید به روح القدس، و روح الطهاره، و مؤید به قوتی ربانی هستند که ایشان را به فعل خیرات و اقامه نماز و دادن زکات (انفاق مالی مخصوص به هر شریعتی) دعوت می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۳۰۵). مجمع البیان هم زکات را به همان معنای معروف قرآنی انفاق مال گرفته است و از زبان ابن عباس آورده: «یعنی برنامه‌های نبوت و پیاداری نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۸۹).

۲. وَ اذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (مریم/ ۵۴) وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم/ ۵۵).

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

مکارم شیرازی زکات در این آیه شریفه را به معنای معروف انفاق مال به وجه

مخصوص گرفته است و می‌گوید: «در این دو آیه به صادق الوعد بودن [جناب اسماعیل]، امر به نماز و پیوند و رابطه با خالق داشتن، امر به زکات و رابطه با خلق خدا برقرار نمودن و بالآخره کارهایی انجام دادن که جلب خشنودی خدا را کند، از صفات این پیامبر بزرگ الهی شمرده شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۹۵).

بقاعی هم زکات در این آیه شریفه را به معنای معروف زکات که پاک‌کننده مال است گرفته است. لذا گفته است: «وَ كَلَّمَ اللَّهُ مَرْيَمَ وَأَهْلَهَا بِالصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ طَهْرَةُ الْبَدَنِ وَ قَرَّةُ الْعَيْنِ وَ خَيْرُ الْعَوْنِ عَلَى جَمِيعِ الْمَأْرَبِ وَ الزُّكَاةِ الَّتِي هِيَ طَهْرَةُ الْمَالِ. كَمَا أَوْصَى اللَّهُ بِذَلِكَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ» (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۵۴۱).

۳. قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا (مریم/ ۳۰) وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزُّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم/ ۳۱).

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است! و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است!».

به گفته علامه طباطبایی در المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۴۷) «جمله» «وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزُّكَاةِ ...» اشاره به این است که در شریعت او نماز و زکات تشریع شده و نماز عبارت است از توجه بندگی مخصوص به سوی خدای سبحان و زکات عبارت است از انفاق مالی و این دو حکم در بیش از بیست جای قرآن قرین هم ذکر شده است. بنابراین دیگر به گفته آن کسی که گفته مراد از زکات ترکیه نفس و تطهیر آن است، نه واجب مالی، اعتناء نمی‌شود».

۴. وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزُّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (بقره/ ۸۳).

«و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید، نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.

طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۹۹) زکات در این آیه شریفه را به همان معنای معروف پرداخت واجب مقداری از مال به وجه مخصوص گرفته است. وی می‌گوید: «و قوله «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ...» - یعنی، و بیای دارید نماز را با دستورات و آداب واجب آن. وَآتُوا الزَّكَاةَ... - یعنی، و زکاة را پردازید به همان نحوی که خداوند بر شما واجب کرده به اهلش پردازید. شیخ طوسی در تبیان (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۳۲۹) زکات در این آیه شریفه را به معنای حقوقی که خداوند در اموال واجب کرده گرفته است. وی می‌گوید: «أن يوفوهم حقوقهم التي ألزمها الله في أموالهم».

۵. وَ مَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مَخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (بینه/۵).

«و به آن‌ها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را پردازند و این است آیین مستقیم و پایدار!».

طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۹۴) زکات آیه شریفه را به معنای زکات واجب گرفته است. لذا می‌گوید: «و يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ، أَيْ وَ يَدَاوِمُوا عَلَى إِقَامَةِ الصَّلَاةِ وَ يَخْرُجُوا مَا فَرَضَ عَلَيْهِمْ فِي أَمْوَالِهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ». یعنی، مداومت بر اقامه نماز می‌کنند و حقوق واجب مالی خود را از زکات و غیره بیرون می‌نمایند و می‌دهند.

طباطبایی در المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰: ۳۳۹) می‌گوید: «جمله «و يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ» از باب ذکر خاص بعد از عام، و یا ذکر جزء بعد از کل است و در مواردی صورت می‌گیرد که گوینده به آن فرد خاص عنایت بیشتری دارد، در اینجا نیز خدای تعالی بعد از ذکر کلی عبادت، نماز و زکات را ذکر کرد، چون این دو عبادت از ارکان اسلامند، یکی توجه عبودی خاصی است به درگاه خدای تعالی و دیگری انفاق مال است در راه رضای او».

۶. فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نَفَّضْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْهَمُونَ (توبه/۱۱).

«(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، شرح می‌دهیم!». علامه طباطبایی (رحمه الله) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۱۵۸) می‌گوید: «منظورش از توبه به دلالت سیاق این است که به سوی ایمان به خدا و آیات او برگردند، و به همین جهت به صرف توبه اکتفاء نکرده و مسئله بپا داشتن نماز را که روشن‌ترین مظاهر عبادت خداست و همچنین زکات دادن را که قوی‌ترین ارکان جامعه دینی است به آن اضافه کرد، و این دو را به عنوان نمونه و اشاره به همه وظایف دینی که در تمامیت ایمان به آیات خدا دخالت دارند، ذکر نمود».

۷. فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْضُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه/۵).

«(اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آن‌ها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمینگاه، بر سر راه آن‌ها بنشینید! هر گاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آن‌ها را رها سازید زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!».

علامه طباطبایی (رحمه الله)، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۱۵۳) ذیل این آیه شریفه می‌گوید: «این آیه اشتراطی است در معنای غایت حکم سابق، و منظور از «توبه» همان معنای لغوی کلمه است، و آن عبارتست از بازگشت. و معنای آیه این است که: اگر با ایمان آوردن، از شرک به سوی توحید برگشتند، و با عمل خود شاهد و دلیلی هم بر بازگشت خود اقامه نمودند به این معنا که نماز خوانده و زکات دادند، و به تمامی احکام دین شما که راجع است به خلق و خالق ملتزم شدند در این صورت رهایشان کنید».

همان‌گونه که از آیات بالا پیداست ایمان اثبات نمی‌شود مگر با برپاداشتن نماز و پرداخت زکات و قرآن این دو را جوهره دعوت و دستورات همه انبیاء و رسولان از گذشته تا خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) قرار داده است.

۱-۶. الفاظ دیگر به کار رفته در معنای اصطلاحی زکات

۱-۶-۱. صدقه

زکات شرعی در لسان قرآن و سنت افزون بر لفظ زکات که ۳۱ بار در قرآن آمده، در موارد معتابهی به لفظ «صدقه» آمده است. ماوردی (۱۴۰۶ق، فی اول الباب الحادی عشر فی ولایه الصدقات) در احکام السلطانیه در این باره می‌گوید: «صدقه همان زکات است و زکات همان صدقه است، اسم دو تا است ولی مسلماً یکی است. در تعدادی از آیاتی که در شأن زکات نازل شده از آن به «صدقه» تعبیر گردیده است، مثل آیه ۱۰۳ سوره توبه که می‌گوید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» یا آیه ۶۰ سوره توبه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». آیاتی از قرآن کریم که از لفظ «صدقه» و «صدقات» در معنای زکات شرعی، استفاده کرده همه آن‌ها آیات مدنی هستند. در آیات مکی قرآن لفظ «صدقه» و «صدقات» به کار نرفته و تنها به لفظ «زکات» آمده است، این الفاظ در دوازده جای قرآن وارد شده است. علامه طباطبایی (ره)، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۱۱) می‌گوید: «آیه زکات یعنی: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» دلالت دارد بر اینکه زکات مصطلح یکی از مصادیق صدقه است، و از این جهت آن را زکات گفته‌اند که صدقه است، چون صدقه پاک‌کننده است و زکات هم از تزکیه و به معنای پاک کردن است». مسلمانان عامل زکات را مصدق می‌نامیدند، زیرا وی صدقات را جمع‌آوری و توزیع می‌کند. در لسان العرب آمده: «به کسی که صدقات را جمع‌آوری کرده و در بین سهم‌بران توزیع می‌کند، مصدق می‌گویند» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۴۱۹).

۱-۶-۲. انفاق، ماعون، طعام المسکین

الفاظ و کلمات دیگری که در قرآن کریم، از آن‌ها معنای زکات اراده شده است، عبارتند از: انفاق، ماعون، ادای حق سائل و محروم و طعام المسکین. با توجه به اینکه

۱. از اموالشان صدقه بگیر و به این وسیله تزکیه و تطهیرشان کن، درود هم بر آنان بفرست چه درود تو مایه تسکین دل آنان است (توبه/۱۰۳).

اتفاق در اصطلاح بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه [مستحب] و یا از بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است، می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۱۵). برخی از اتفاق قرآن را اعم از اتفاق واجب یعنی زکات می‌دانند، لذا به بررسی دلالت برخی از آیات مربوطه و نتیجه‌گیری کلی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. آیه ۳۴ سوره توبه: «یا ایها الذین آمنوا إن کثیراً من الأخبار و الرهبان لیأکون أموال الناس بالباطل و یضنون عن سبیل الله و الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فیشرهم یعذاب الیم».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی‌دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا اتفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده».

اتفاق در این آیه شریفه در نزد اکثر مفسرین به معنای زکات واجب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۹۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۸۲). به جز علامه طباطبایی (رضی) در تفسیر المیزان که آن را اعم از زکات واجب و هر آنچه که ضرورت جامعه اسلامی اقتضاء کند از جهاد و حفظ نفوس مسلمین از هلاکت و مانند آن دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۳۵۱) و مکارم شیرازی بر اساس روایات بین وضعیت عادی و وضعیت فوق‌العاده تفصیل قائل شده است. وی می‌گوید، از بررسی مجموع احادیث فوق به ضمیمه خود آیه می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط عادی و معمولی یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداختن زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود و اما در مواقع فوق‌العاده و هنگامی که حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری اموال قائل شود و یا به کلی همه اندوخته‌ها و ذخیره‌های مردم را برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی مطالبه کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۹۶).

۲. آیه ۲۵۴ سوره بقره: «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا ممّا رزقناکم من قبل أن یأتی یوم لا

يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن، نه خرید و فروش است و...».

طبرسی در مجمع البیان آورده، مقصود از انفاق در این آیه شریفه زکات واجب است و مانند آن نه صدقات مستحبه چون با تهدید همراه است و به اضافه اینکه ظاهر امر اقتضای وجوب می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۶۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳).

به گفته مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، جمله «مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» مفهوم وسیعی دارد که هم انفاق‌های مالی واجب و مستحب را شامل می‌شود و هم انفاق‌های معنوی مانند علم و دانش و امور دیگر را، ولی با توجه به تهدیدی که در ذیل آیه آمده، بعید نیست منظور، انفاق واجب یعنی زکات و مانند آن باشد، به علاوه، انفاق واجب است که بنیه بیت‌المال و حکومت را تقویت می‌کند، ضمناً از تعبیر «مما» استفاده می‌شود که انفاق واجب همیشه بخشی از مال را در بر می‌گیرد نه همه آن را ولی با توجه به آخرین جمله آیه که کافران را ظالمان می‌شمرد، اشاره‌ای است که ترک انفاق نوعی کفر و ظلم است و این جز در انقاقات واجب، تصور نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵۷). لذا با تتبع در آیاتی که در آن‌ها ماده نفق با مشتقات مختلف آن آمده، هرگاه ترک آن همراه با تهدید و وعده عذاب باشد مقصود انفاق واجب یعنی زکات است.

۱-۷. وضعیت فقرا و ضعفا در جوامع پیش از اسلام

بشر از زمان‌های بسیار دور با فقر و محرومیت آشناست در برخی از دوره‌ها با فقر فراگیر و سراسری دست و پنجه نرم کرده است، به گونه‌ای که به‌جز عده معدودی بقیه همه فقیر بوده‌اند. محمد فرید وجدی محقق تاریخ وضعیت فقرا و محرومین را در دوران گذشته چنین تشریح می‌کند. وی (فرید وجدی، ۱۹۳۲م: ۱۷۹-۱۸۱) می‌گوید: هر امتی را که نگاه بکنید دو طبقه در آن می‌یابید، طبقه سومی در کار نیست. یکی طبقه مرفهین که در راحتی و آسایش زندگی می‌کنند و دیگری طبقه محرومین که زندگی را به سختی و مشقت می‌گذرانند.